تاریخچه مختصری از مبارزات معلمان

Tue 11 05 2021

ستار رحمانی

این مقاله در تابستان سال 1394 نوشته شد، اما به دلایل مختلف نا تمام ماند.

به جای مقدمه

این مقاله در تابستان سال 1394 نوشته شد، اما به دلایل مختلف نا تمام ماند (هنوز هم نا تمام است) و آن را برای انتشار نفرستادم. وقتی که مروری بر نوشته کردم به نظرم آمد که مقاله می تواند مفید باشد چرا که بخش های زیادی از منابع استفاده شده در مقاله، بر اساس نوشته هایی رصد شده از اتفاقات آنروزها بوده است. بهر صورت مقاله حاضر بخشی از سند تاریخی است و شاید برای برخی از محققان در این زمینه مفید باشد.

هدف آموزش و پرورش

هدف آموزش می باید تلاش برای فراهم کردن شرایطی که کودکان و جوانان به پدیده ها و واقعیت های پیرامون خود منقدانه و علمی بنگرند و در ارزیابی از وقایع پیرامون خود و جهان موجود به دنبال ریشه مسائل باشند. این که آموزش و پرورش در همه ادوار تاریخی تا کنونی اش به این حکم اولیه عمل کرده است یا نه خود مقوله ای گسترده است و نیاز به بررسی جداگانه دارد. اما حکومت های تا کنونی سعی کرده اند که آموزش و پرورش را در راستای منافع گروه معینی از جامعه سازماندهی کنند، گرچه علیرغم آن نسل جوان با بهره گیری از دستاوردهای تا کنونی بشریت توانسته است که، در راستای آموزش مسائل علمی جهان بینی خود را گسترش دهد.

در دورانی که بطور رسمی آموزش و پرورشی وجود نداشت و تنها تجارب نسل های قبل به نسل جدید به صورت تجربی انتقال می یافت، هدف از آموزش بر طرف کردن نیازهای اولیه خود برای زیستن و نتازع بقا بود. هدف آموزش را در ابتدایی ترین شکل آن می توان در نبرد انسان با طبیعت برای تنازع بقا خلاصه کرد.

در جوامع ابتدایی، آموزش هدف و منظور آگاهانه و از پیش برنامه ریزی شده ای نداشت. هر فرد پس از تولد، به تدریج، طی مراحل مختلف زندگی، متناسب با سن و موقعیت اجتماعی خویش سازگاری های لازم با محیط اجتماعی را فرا می گرفت، از طریق یادگیری آداب و رسوم و سنت های اجتماعی و الگوهای رفتاری، طی مراحلی وارد مناسبات اجتماعی و اقتصادی می شد، از آن تاثیر می پذیرفت و بر آن تاثیر

گذار بود. در دوران رشد ابتدایی بشریت در امر گردآوری خوراک، یافتن جانوران زخمی یا جمع آوری میوه‌ها و ریشه‌های خوردنی گیاهان، نوجوان، با پدر همراهی کرده راه و رسوم و مهارت های لازم را یاد می‌گرفت. از اینرو، کسب آمادگی برای انجام دادن فعالیتهای روزمره زندگی، هدف آموزشی یا پرورشی آگاهانه‌ای نداشت. اما زمانی که انسان وارد مرحله دیگری از تمدن خود شد، تجارب تئوریزه شده و در مرحله بعدی به صورت مکتوب به صورت علمی و از نسلی به نسل بعدی انتقال می یافت.

آموزش در ابتدا فقط در تصاحب صاحبان قدرت و ثروت بود و شامل حال تنها بخشی از جامعه یعنی پسران صاحب منصب و قدرت بودند که حق آموزش را داشتند و دختران اما باید برای بچه داری و کارهای خانگی تربیت می شدند.

در دوران قرون وسطی امر آموزش در بسیاری از کشورهای جهان به مراکز مذهبی همچون کلیسا و مکتب خانه ها سپرده شده بود اما در مرحله ای از رشد صنایع دیگر اینگونه آموزش ها پاسخگوی نیازهای شرایط اقتصادی موجود نبودند و می بایست رنسانسی در آموزش های حرفه ای صورت می گرفت.

در مسیر رشد نظام های اقتصادی و سیاسی نیاز به نیروی حرفه ای و آموزش دیده به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شد. پیچیدتر شدن تولید در صنایع بزرگ و تقسیم کار در حرفه ها و صنایع گوناگون دیگر نمی توانست متکی بر کارگرانی باشد که آموزش های لازم را برای کار در حرفه های موجود نداشتند و در این مسیر دولت ها موظف شدند که برای آماده سازی حرفه های مورد نیاز صنایع آموزش رایگان را در اختیار همه اقشار جامعه قرار دهند.

در روند رشد صنایع بزرگ، هدف آموزش تربیت نسلی بود که به نیازهای علمی و صنعتی موجود پاسخ دهد و به آموزش حرفه هایی که با تقسیم کار گسترده مراکز صنعتی بوجود آمده بود همخوانی داشته باشد. در حقیقت آموزش علوم جدید در مسیری کاملا متضاد با اندیشه های کهنه شده مذهبی در حال رشد بود.

با رشد نیروهای مولد و تسخیر جهان توسط روابط سرمایه داری، آموزش به همراه پرورش نسل ها باید در خدمت نیازهای همین نظام آنگونه سازمان داده می شد که رابطه اجتماعی تولید سرمایه داری را تنها واقعیت موجود و واقعیتی ابدی جلوه دهد.

به دلیل اینکه نظام سرمایه داری در کشورهایی که با رشد نیروهای مولده و در تضاد با روابط عقب افتاده فئودالیسم، که آموزش در آن نظام ها کاملا تحت کنترل کلیسا و مساجد قرار داشت، پا به عرصه هستی نهاد، باید شیوه آموزش کهنه و روابط ایجاد شده توسط آنرا نیز از جلوی پای خویش، به عنوان سدی برای رشد، بر می داشت و به همین دلیل منطق و علم در جنگ با خرافه پرستی غلبه کرد و نظام های آموزشی و پرورشی جدیدی به تدریج در سطح جهانی ایجاد شدند که هدف شان از آموزش تقویت نظام موجود و تلاش برای رفع نیازها ی نظم موجود بود.

در پروسه رشد مراکز آموزشی جدید نسلی از نخبگان بوجود آمدند که با کنار گذاردن کهنه پرستان کلیسا و مراکز مذهبی، وظیفه و نقش مهمی در پرورش نسل جدید را عهده دار شدند. اما باقی مانده مراکز مذهبی با بکار گیری شیوه ها، معنانی و مفاهیمی که با نظم موجود سازگار باشد مدت ها برای حفظ جایگاه خود در اجتماع و هچنین در اقتصاد مقاومت می کرد.

از طرف دیگر با روند رو به رشد نظام سرمایه داری معلمان و اساتید و دانشجویان به عنوان مزد بگیران جامعه خود را در تناقض با نظام موجود یافتند و به نقد نظام سرمایه داری پرداختند. اما رشد تفکر منقدانه را حاکمان سرمایه و صاحبان قدرت بر نمی تابیدند و آنرا خطری جدی برای موقعیت برتر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود دانسته و با ایجاد محدودیت هایی در نظام آموزشی برای پیش گیری در از بین رفتن این موقعیت جایگاه خود محکمتر کردند.

اما در حکومت های توتالیتر و یا تمامیت خواه که تمام امور زندگی اکثرت جامعه را در کنترل خود دارند امکان رشد فکری خلاق، مبتکر و نوآور را کم می کنند. کودکان امکان دسترسی به منابع وسیع را از دست می دهند. ناهنجاری های اجتماعی در بین کودکان افزایش می یابد و در طولانی مدت نیروی شاداب و فعال جامعه را به رخوت و بی ارتباط به هر آنچه که در جهان میگذرد می کشاند.

آموزش و پرورش در خدمت نظام سرمایه داری

تسلط نظام سرمایه داری وپیچیدگی روزافزون مناسبات اجتماعی ، موجب تنوع و کثرت تقسیم کار اجتماعی گردید. در نظام سرمایه داری انسانها برای نیازهای شخصی خود دست به تولید نمی زنند، بلکه به فکر کسب مهارتهایی کم و بیش متناسب با نیازهای نظام سرمایه داری هستند، در این میان کارگران قادر نیستند بدون آموختن مهارتهای لازم ، نیروی کار خود را به آسانی بفروش برسانند. هدف آموزش و پرورش از منظر حاکمان سرمایه، کسب مهارتها و فنون کار و روابط اجتماعی متناسب با نظام سرمایه داری، گسترش و نهادینه کردن مناسبات سرمایه داری و ابدیت بخشیدن به آن است. نظام سرمایه داری تلاش دارد که آموزش و پرورش را رسما در خدمت افزایش بارآوری نیروی کار خریداری شده و افزایش ارزش اضافی قرار دهد.

مبارزات و مطالبات معلمان و کارگران بهم گره خورده است

اگر چه در دوره ای که نظام سرمایه داری به درجه بلوغ نرسیده بود، معلمان به عنوان فرهیخته گان جامعه شناخته شده و شرایط اقتصادی- فرهنگی و سیاسی زندگی شان با کارگران تفاوت هایی از لحاظ سطح معیشت و موقعیت اجتماعی داشت. اما با رشد مناسبات سرمایه داری آن شرایط تغییر کرده و مناسبات سرمایه داری آنها را، به عنوان پرورش دهندگان نیروی انسانی موجود برای برطرف کردن نیازهای سرمایه، در کنار کارگران مزدی قرار می دهد.

اکنون معلم نقش تربیت آماده سازی نیروی کار مورد نیاز سرمایه داری را به عهده گرفته است و شرایط زندگی، کار و سطح دستمزد یک معلم با یک کارگر حرفه ای چندان تفاوتی ندارد.

رشد نظام سرمایه داری با اصلاحات ارضی در ایران

رشد نظام سرمایه داری با طرح اصلاحات ارضی در سال 1339 و اجرا شدنش در سال 1341میدان را برای توسعه سرمایه داری باز کرد. شرایط کار و زندگی معلمان در این دوره دستخوش تغییرات بود.

معلمان حال می بایست نیروی کار متناسب با رشد سرمایه و تکنولوژی را فراهم سازند. با این شرایط جدید معلمان خود را در کنار خلع ید شدندگانی یافتند که چیزی جز فروش نیروی کار خود برای بقا در تملک خود نداشتند. بنابر این معلمان به عنوان نسل دیگری از خلع ید شدگان و صاحبان مهارت برای تربیت نسل جدید، نیروی کار مورد نیاز صنایع را با فروش نیروی کار فکری و مهارت های خود به پرورش دهندگان نیروهای مولده تبدیل شدند.

نقش معلمان در تربیت کودکان

صمد بهرنگی معلمی که در زمان حکومت پهلوی با نوشتن داستان های کودکان و زندگی کودکان فقر دنیای جدیدی را بروی کودکان باز کرد. صمد بهرنگی در کتاب کند و کاو در مسائل تربیتی ایران تناقضات سیستم آموزشی با واقعیات موجود در زندگی معلمان و دانش آموزان را بروشنی آشکار می کند.
در این دوره معلمان بیشتر در جمع های سیاسی مخفی فعالیت داشتند.
تشکلات سندیکایی مستقل و علنی جایی در رژیم دیکتاتوری شاه نداشتند.
هر حرکت صنفی مستقل مساوی با زندان و شکنجه بود. اما معلمان در سر کلاس درس و در لابلای تدریس متون مختلف شرایط اسف بار زندگی فرودستان را برای دانش آموزان تشریح می کردند.

معلمانی همچون صمد بهرنگی چراغ راه آینده ای بهتر براری فرزندان طبقه کارگر از شرایط ویرانگر را توضیح می دانند و هزینه های سنگینی هم برای آن پرداختند. فرزاد کمانگر به دانش آموزانش یاد داد که تنها راه نجات از شرایط اسف بار ناشی از نظام سرمایه داری، آگاهی، اتحاد و مبارزه است و جانش را نظام سرمایه داری به دلیل این نوع از آموزش و به خاطر این گفتار عمیق انسانی گرفت.

مبارزات معلمان قبل از انقلاب 57
مبارزات سازمان یافته معلمان ازدهه 40 شروع شد. معلمان در سال 1340 روز 12 اردیبهشت به سطح بسیار پایین حقوق تجمع صنفی اعتراض آمیزی را میدان بهارستان برگزار کردند. در این روز رئیس کلانتری بهارستان، به سمت تجمع‌کنندگان شلیک کرد که گلوله‌ای به سر ابوالحسن خانعلی اصابت کرد و

دو تیر دیگر هم دو نفر را مجروح کرد. روز 12 اردیبهشت ماه 1340 با اعلام اعتصاب معلمان، همه مدارس تهران تعطیل شدند.
در اردیبهشت ماه 1340 معلمان موفق شدند در راه کسب حقوق صنفی خویش گامی به پیش بردارند. بعد از این حادثه شریف امامی نخست‌وزیر وقت استعفا کرد و با افزیش حقوق معلمان هم سطح با حقوق مهدسین، تحصن یازده روزه معلمان پایان گرفت. در 18 اردیبهشت ماه 1340 مجمع عمومی معلمان، در باشگاه مهرگان، ضمن تاکید بر ادامه ی اعتصاب تا نیل به حقوق به حق خود که : افزایش حقوق، برکناری وزیر وقت، محاکمه ی قاتل دکتر خانعلی و دلجویی از معلمان بود؛ روز 12 اردیبهشت روز معلم اعلام شد.
در آن زمان روزنامه کیهان چنین نوشت: «حقوق معلمین برابر حقوق مهندسین شد. به احتمال زیاد اعتصاب معلمین پایان می‌یابد و مدارس تا هفته آینده باز می‌شود. بر این اساس حداقل حقوق کمک آموزگاران و آموزگاران 500 و دبیران 600 تومان و حداکثر حقوق از 1050 تومان تا 2220 تومان برای دبیران اعلام شده است.»
قبل از انقلاب 57 در فقدان آزادی های سیاسی و صنفی، معلمان کانونی برای ارتباطات دانش آموزان و دانشجویان بودند. ارتباطات بیشتر در رابطه با مطالعه متونی بود که ممنوع بودند.
به دلیل بالا گرفتن اعتراضات دانشجویی در خارج (فدراسیون دانشجویان خارج کشور) و دنشجویان داخل کشور، اعتراضات جهانی به نقض حقوق بشر درایرن دانشجویان در آبان ماه 1356 در دانشگاه صنعتی به همراه کانون نویسندگان 9 شب، شب شعر داشتند که با اقدام پلیس در برهم زدن این شب شعر که منجر به درگیری و کشته شدن یک دانشجو و صد ها زخمی شد پایان نیافت و مبارزه به اشکال گوناگون ادامه یافت. و انقلاب فرا رسید.

ویژگی های آموزش و پرورش بعد از انقلاب اسلامی
در جریان انقلاب و اوایل سال 1358 فضای مدارس راهنمایی و دبیرستان ها فضای باز سیاسی بود. دانش آموزان آزادنه به مسائل سیاسی می اندیشیدند و در مورد مسائل روز با همدیگر به بحث می نشستند. فعالیت گروهای سیاسی در مدارس شور و هیجان خاصی را بین دانش آموزان بوجود آورده بود. معلمین هم در تجمعات خود از آموزش و پرورشی سخن می گفتند که قرار است شکوفه های جوان را برای یک زندگی عاری از اشتثمار انسان از انسان به مقصد شان هدایت کند. حاکمان تازه به قدرت رسیده اما ساکت ننشستند <<حدود 30 هزار نیرو از بین نیروهای بسیج و انجمن اسلامی وارد مدارس شدند تا کنترل سیاسی آموزش‌وپرورش را از دست گروه‌ها بیرون بیاورند. آنها موفق هم شدند و گروه‌ها از مدارس جمع شدند.>>

یکی از مهترین اهداف و شاخصه‌های نظام آموزشی بعد از تحقق جمهوری اسلامی ایران ایجاد و بسط و تسلط گفتمان دینی و ایدئولوژیکی در ساحت نظام آموزشی است. اسلامی کردن مدارس و دانشگاه را می‌توان مهم‌ترین ویژگی نظام آموزشی کشور دانست ویژگی که باعث می‌گردد نظام آموزشی در ایران را در گروه معدود کشورهایی قراردهد که نظام آموزشی ایدئولوژیک و غیر دموکراتیک داشته باشد. در مدارس مربیان تربیتی وجود دارند که کارشان بیشتر جنبه جاسوسی دارد تا تربیتی.

آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی مبتنی بر بنیانی ایدئولوژیک است. یعنی معلمان باید در کلاس های آموزشی اولا نیازهای سیاسی-فرهنگی رژیم را تامین کنند و از جانب دیگر جوانان را به گونه ای تربیت کنند که مناسبات سرمایه داری را معقول و ابدی جلوه دهند.
پرورش از منظر نظام سرمایه داری یعنی آماده سازی جوانان در حفظ و تداوم مناسبات موجود سرمایه داری باشد.
فراتر از این وزیر علوم دولت روحانی محمد فرهادی می گوید: اگر استادي سكولار باشد و تنها به صورت علم صرف اقدام به تدريس كند مشكلي وجود ندارد اما اگر در دانشگاه به ويژه در علوم انساني ترويج سكولاريسم كند موظفيم كه جلوي او را بگيريم. (1)
در زمستان سال 1358 اعتراضات معلمان با گرایشات چپ و دمکراتیک در تقابل با نظام اسلامی سرمایه قرار گرفتند.
مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان ها و دانشگاه ها در ابتدای انقلاب تبدیل به مرکز چالش های سیاسی شده بودند.
تعداد معلمان، دانش آموزان و دانشجویان مخالف دولت هر روز افزایش می یافت و رژیم خطر را بسیار جدی احساس کرد.
تشکلات مستقل معلمان در سراسر کشور در حال شکل گیری بود.
ابتدا معلمان توسط انجمن های اسلامی، بسیج و جاسوسان رژیم مورد حمله قرار گرفتند
رژیم با طرح «پاکسازی» اکثر معلمین معترض را از مدارس و دبیرستان ها اخراج کرد.
در مرحله بعدی، رژیم دانش آموزان مخالف را از حق آموزش محروم نمود و به دانشجویان حمله کردند و دانشگاها را بستند.
مرحله بعدی دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام این فعالین بود.

دوره عقب نشینی
در دوران جنگ ایران و عراق اکثریت معلمان آزادی خواه، برابری طلب و دمکرات یا دستگیر، زندانی و اعدام شدند و یا جان خود را نجات داده و از کشور گریختند. در این دوره از مبارزه علنی هیچگونه خبری نبود.

اعتراضات معلمان در دهه 60
سال 60-61 دورانی بود که رسانه های رسمی دانش آموزان را تشویق به رفتن به جنگ می کردند و بسیاری از نوجوانان را به جبهه های جنگ فرستادند و جان بسیاری را گرفتند و تعداد زیادی هم برای همیشه معلول شدند. در جنگ بر طبق گزارشات حدود 36 هزار دانش‌آموز و 2 هزار معلم و مربی جان خود را فدای سیاست های جنگی رژیم کرد.

<<رايج‌ترين واكنش در دهه 60 سكوت بوده، هيچ گزارشي از تجمع اعتراض‌آميز دسته جمعي در اين زمان ثبت نشده است. مخالفت معلمان به صورت فردی از اواخر دهه 60 به تدریج میان معلمان رواج یافت و اواسط دهه 70 (با جنبش دوم خرداد) واکنش مسلط را میان معلمان سبب شد. >> (2)
کانون صنفی معلمان در سال 78 تاسیس شد اما به گفته محمود بهشتی لنگرودی <<دوسال اول کانون صرف سازماندهی وتشکیلات واصلاح هیات مدیره شد>>. با رشد مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اعتراضات معلمان از سال 80 <<توسط چند تشکل ازجمله سازمان معلمان ،خانه ی معلمان،کانون همبستگی معلمان و اساتیدو،،،رهبری می شد.>> (3)

تجمعات معلمان بین 80-83
اعتراضات معلمان و كاركنان آموزش و پرورش از سال 80 وارد دور تازه اي شد. اعتراضات معلمان در سال 80 در تهران و چند شهر بزرگ ایران << توسط چندتشکل ازجمله سازمان معلمان ،خانه ی معلمان،کانون همبستگی معلمان واساتید و،،،رهبری می شد.>> (4)
در سال 80 يک تجمع محدود براي اعتراض به لايحه بودجه منجر به سلسله راهپيمايي‌ها و تجمعاتي شد كه مدت 12 روز بخش بزرگي از معلمان را به خيابان ها كشاند و اوج آن تجمع 10 هزار نفري معلمان در برابر مجلس بود . اين اعتراضات در روز 6 بهمن در ميدان پاستور تهران جايي كه دفتر رياست جمهوري در انجا قرار دارد، به دنبال ضرب و شتم معلمان، بدون دستاورد ملموسی به پايان رسيد.

سال 1382 صدور اطلاعیه کانون صنفی معلمان
در سال 82 بخشي از معلمان در اعتصاب عمومي شركت كردند. در دی و اسفند 82 جمعی از معلمان از رفتن سركلاس هاي درس خودداری کردند.
در فاصله 16 تا 22 اسفند تعدادی از معلمان در مدارس حاضر مي‌شدند اما به كلاس درس نمي رفتند و در واقع در دفتر مدرسه تحصن مي كردند. 16 اسفند صبح روز شنبه معلمان در تهران و بعضي شهرستان ها با تجمع در ادارات آموزش و پرورش و مدارس، نسبت به مشكلات صنفی خود اعتراض كردند.
از سال 80 تا 82 چهار تجمع در تهران شكل گرفت كه نقطة اوج اعتراضات تلقی مي‌شد. تا اين‌كه شاهد تحصن‌هاي هشت روزه در شهرها شديم. اعترضات سال 83، شكل ديگری داشت. اعتراضات به صورت عريضه نويسي‌های جمعی خطاب به مديران آموزش و پرورش و نهادهای مربوطه دولتی درآمد.
يكی از مطالباتی كه در اين دوره طرح شد در خواست اضافه حقوق 25 درصد بود. معلمان همچنين خواهان پرداخت حقوق های معوقه خود بودند. بيمه درمانی معلمان هم از جمله مطالباتی بود كه در اين دوره طرح شد.
يكی ديگر از مهمترين خواسته ها كه در سال 1381 توسط معلمان مطرح شد اجرای نظام هماهنگ حقوق بود.

در این دوره << رهبری خانه ی معلم با آقای رحمان شمس بود .وابستگی شمس به جناح راست کاملا محسوس بود .خود او از معلم تربیتی های آموزش وپرورش بود وشایع شده بودکه جناح راست در اعتراض به طرح ادغام امورتربیتی معلمان را تحریک به اعتراض علیه حاجی کرده است.>> (4)
اعتراضات چنان به سرعت صورت گرفت و گسترش یافت که <<دولت و نیروهای امنیتی گرفتارشده بودند و اوضاع به ظاهر از کنترل آن هاخارج شده بود >> (4)
20 تیرماه 83 اولین دستگیری فعالان کانون دردولت آقای خاتمی اتفاق افتاد. آقای بهشتی لنگرودی و آقای ذاتی درمنزل بازداشت وخانه هایشان تفتیش وکلیه ی وسایل شخصی ازجمله کامپیوترازمنزلشان برداشته شد. در<<سال 1383 لایحه ی مدیریت خدمات کشوری ازطرف تشکل ها به عنوان یک خواست عمومی مطرح و به عنوان محورخواسته ها مطرح شد. درچندین دوره بازجویی دردولت های مختلف متوجه شدم که نوع برخوردهای بازجویان به دولت ها ربطی ندارد . بازجویی های سخت و 31 روز انفرادی برای من و 41روز انفرادی برای آقای ذاتی که درآن دوران سخنگو بود، درهمه دولت ها علی الظاهر بازجویان وظایف خودشان را انجام می دهند. بازجویی باچشم بند و...>> (4)
در 11 اردیبهشت سال 1384 تجمع معلمان مقابل مجلس شوراي اسلامي نمایش دیگری از قدرت نمایی معلمان را نشان داد. معلمین بار دیگر بر خواست های خود پافشاری کردند. اعتراضات به صورتی پراکنده و خودجوش در شهرهای مختلف صورت می گرفت.
در دی ماه 1385 به مدت سه روز و در اسفند ماه به مدت يك هفته شاهد اعتصاب معلمان بودیم و 12 مورد هم تجمع به صورت پراکنده اتفاق افتاد و معلمان در حالی که نسبت به حقوق پایین فرهنگیان در مقایسه با سایر اداره ها و ارگان های دولتی معترض بودند خواستار پرداخت هماهنگ حقوق شدند و اغلب معلمان در مناطق مختلف آموزش و پرورش در اعتراض به برگشت لایحه مدیریت خدمات کشوری در کلاس‌های درس حاضر نشدند

اعتراضات بهمن و اسفند 1385
در بهمن و اسفند ماه 1385 بیش از 6 تجمع گسترده برگزار کردند. معلمان در 15 بهمن 1385 در برابر مجلس شوراي اسلامي تصریح کردند که در صورت عدم انجام درخواست ها از رفتن به کلاس های درس خودداری خواهند کرد. در چند تجمع پایاني بیش از 30 هزار نفر از سراسر کشور حضور داشتند.
محمد داوری، مسئول آموزش و اطلاع رسانی سازمان معلمان ایران، در 23 اسفند سال 1385 به همراه دیگر فعالان صنفی و مدنی مقابل مجلس شورای اسلامی بازداشت و در تاریخ 25 شهریور ماه به زندان اوین منتقل شد.
فرزاد کمانگر، فعال حقوق بشر و معلم در مرداد ماه 1385 بازداشت شد. فرزاد در بازداشت گاه های تهران، سنندج و کرمانشاه تحت شکنجه و اذیت آزار قرار گرفت ومحکوم به اعدام شد.

اعتراضات معلمان 1386-87

در 18 اردیبهشت ماه 1386 معلمان و فرهنگیانی که قصد یک تجمع مسالمت آمیز در مقابل مجلس شورای اسلامی، در میدان بهارستان را داشتند توسط نیروهای انتظامی و امنیتی ضرب و شتم، دستگیر و به زندان برده شدند. و معلمان معترض، این حرکت ضد انسانی نیروهای انتظامی را مغایر با اصل 27 قانون اساسی جمهوری اسلامی که "تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، را آزاد می داند" اعلام کردند.

در فروردین ماه سال 1386 ماموران امنیتی 9 تن از معلمان شهر همدان را بخاطر شرکت در حرکتهای اعتراضی صنفی در این شهر دستگیر کرده و روانه زندان کردند. آقایان یوسف زارعی، مجید فروزانفر، جلال نادری، یوسف رفاهیت، هادی غلامی، نادر قدیمی، علی نجفی، محمود جلیلیان و علی صادقی 9 معلمی بودند که برای مدتی در سلول انفرادی نگاه داشته شدند و بعد از دادگاهی شدن به 91 روز زندان محکوم شدند.

دیدبان حقوق بشر، در بیانیه‌ی خود یادآور شده است: از سال 2009 تا سال 2012 در ایران 39 معلم با اتهاماتی امنیتی بازداشت شده‌اند اما همگی آنها کاری جز استفاده از حق جهانی آزادی بیان و حق برگزاری اجتماعات مسالمت آمیز نکرده بودند.

همچنین در این گزارش آمده است که تا سال 2012 در ایران 15 معلم به زندان محکوم شده اند و سه معلم به اعدام محکوم شده اند، و همچنین چندین نفر دیگر توسط سازمانهای امنیتی، قضایی و انتظامی، احضار، بازجویی و مورد اذیت و آزار و تهدید قرار گرفته اند.

مسعود کردپور، معلم و فعال حقوق بشر اهل بوکان در تاریخ 17 مردادماه سال 1387 توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به اتهام تبلیغ علیه نظام پس از تحمل یک سال حبس تعزیری آزاد شده بود. پس از آزادی به حکم هیات رسیدگی به تخلفات اداری استان آذربایجان غربی در تاریخ 11 شهریورماه همان سال به باز خرید از خدمت علیرغم حدود 22 سال سابقه کار محکوم شد. لازم به ذکر است این فعال صنفی پیرو حکم صادره دادگاه انقلاب محکوم به تبعید به شهرستان تکاب نیز شده است. (هرانا)

سال 1388-92
در آواخر سال 87 و دوره سر و صدای انتخاباتی کانون در صدد جمع و جور کردن خود شد. در این دوره کانون صنفی معلمان خود را تسلیم فضای سیاسی آن دوران کرد. تلا ش کانون در قامت تشکلی سندیکایی-صنفی جهت آگاهی معلمان به حقوق حقه خود جهت گیری دیگری به خود گرفت. کانونیان بر این باور بودند که در دوران انتخابات برای جلب توجه کاندیداهای ریاست جمهوری و برای اینکه " سیاسیون وادار گردند در معادلات خود نقش بیشتری برای فرهنگیان در نظر بگیرند.... با همین هدف نامه ی سرگشاده ی مشابه ای به تمامی چهار کاندید ریاست جمهوری فرستاده شد و از ایشان خواسته شد تا برنامه های خود را برای ۴ سال اینده مطابق با خواست هایی که در نامه ذکر گردیده بود اعلام نمایند. آقای کروبی به این درخواست بلافاصله پاسخ مثبت می دهند و با فرستادن آقای نجفی به عنوان مشاور خود و وزیر محبوب پیشین به محلی که کانون در نظر گرفته بود و سخنرانی برای همکاران بیشترین جلب اعتماد و نظر را در کانون ایجادکرد . پس از او آقای رضایی با فرستادن یکی از مشاوران به همراه دخترش و سخنرانی در میان همکاران نگاه همکاران را به ایشان تعدیل کرد هر چند طی سخنرانی چالش هایی ایجاد گردید که برایند مثبتی در میان همکاران ایجاد نشد. آقای موسوی نیز با ارسال نامه ای (آقای فانی آن زمان مسئول واحد فرهنگیان بودند) تقریبا از تمام خواست های کانون حمایت کرد و قول داد در صورت انتخاب شدن همه را مد نظر قرار دهد. این پاسخ آقای موسوی نیز با استقبال همکاران کانون مواجه شد.

<<در تاریخ 6 اردیبهشت ماه 1388، دهها تن از معلمان حق‌التدریسی که پایه‌ی حقوقی معادل 70 تا 100 هزارتومان دارند در اعتراض به عدم مشخص شدن وضعیت استخدام خود با استناد به طرح يك فوريتي تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسي در مجلس، مقابل در اصلی مجلس شوراي اسلامي تجمع کردند. این معلمان از شهرهاي اصفهان، لرستان، شیراز، ایلام، شهرکرد، چهارمحال و بختیاري، گلستان و قزوین به تهران آمده بودند. >> (گزارش ماموستا دوم مهر ماه 1388، منبع هرانا)

دستگیری ها
رسول بداقی در 11 شهریور 88 دستگیر و بند 209 اوین انتقال یافت و پس از آن در؛شعبه پانزده دادگاه انقلاب توسط قاضی صلواتی به شش سال حبس محکوم شد. ایشان در تمام مدت محکومیت خود حتی یکساعت مرخصی نداشته است. (اسماعیل عبدی، حقوق معلم و کارگر)

آقای احمدی نژاد و گروهش نیز اصلا پاسخی به نامه و تماس های مکرر کانون ندادند. در نهایت بیانیه ی قابل دسترسی به تاریخ خرداد ماه 88 از سوی کانون منتشر گردید و آقایان موسوی و کروبی به عنوان نمایندگان همسو با معلمان معرفی گردیدند ولی جهت گیری سیاسی روشنی داده نشد و تصمیم گیری را به خود معلمان سپرد خلاصه ای از شرح ماوقع نیز در بیانیه امده است." (5)
"رسول بداقی یکی از فعالترین نیروهای صنفی عضو شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان کشور است و تا کنون در اجتماعات اعتراضی معلمان کشور در سال 85 جلوی پارلمان،در شهریور 86 در نشست شورای هماهنگی معلمان کشور ، در دیماه 87 در دیدار با فراکسیون اقلیت مجلس و در شهریور

88 توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده است. او پس از دستگیری آخر توسط قاضی صلواتی به شش سال حبس با اتهام واهی تبلیغ و تبانی علیه نظام و تجمع غیر قانونی محکوم شد. این کنشگر صنفی فرهیخته چهارسال و نیم از دوره محکومیت خود را در بندهای 209 اوین ، کچویی و رجایی شهر گذرانده و حتی یک روز مرخصی نداشته است.به رسول بداقی حتی برای مراسم تدفین مادرش نیز اجازه خروج ندادند."
(حقوق معلم- اسماعیل عبدی 17 اسفند 92)

در همین دوره "مهندس هاشم خواستار عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان مشهد 813 روز بدون مرخصی در زندان وکیل آباد گذراند و آزاد شد. عبدالله مومنی پس از گذراندن پنج سال دوره محکومیت خود روز 23 اسفند از زندان اوین آزاد می شود.محمد داوری نیز که پس از افشاگری وقایع کهریزک با پنج سال حبس مواجه شده بود پس از گذراندن دوره محکومیت در شهریور 93 آزاد خواهد شد.سید محمود باقری عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان که حدود دو سال از حبس خود را گذرانده نیز منتظر مختومه شدن پرونده اش است. عبدالرضا قنبری با حکم 10 سال حبس در تبعید به برازجان رفته و مسعود کرد پور روزنامه نگار با بازخرید اجباری به 4 سال حبس محکوم شده که یک سال از آن را گذرانده است. ... پرونده علی اکبر باغانی و محمود بهشتی لنگرودی برای اعمال ماده 18 و اعاده دادرسی رفته است. باغانی به شش سال حبس و ده سال تبعید به زابل و محمود بهشتی لنگرودی به نه سال حبس محکوم شده بودند. اسماعیل عبدی نیز به ده سال حبس محکوم شده که حبس او به مدت پنجسال تعلیق شده است."
(حقوق معلم و کارگر- اسماعیل عبدی- 17 اسفند 92)

دولت احمدی نژاد برنده انتخابات اعلام شد. از آن تاریخ فعالین معلمان عملا قادر به هیچگونه فعالین صنفی نبودند. چرا که وارد معامله ای شده بودند که در آن معامله رقیب مقابل برنده شده بود.در طی دوره احمدی نژاد کانون صنفی جلسات هفتگی خود را در پارک ها و خانه های شخصی برگزار می کرد. ارتباط بدنه کانون با کانون بسیار ضعیف شده بود ودر محدوده های معینی و در برخی مدارس شب نامه هایی توزیع می شد.

در 11 اسفند ماه 1392 پیمان نودینیان عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان استان کردستان به دادگاه " شعبه یک تجدید نظر کیفری کردستان احضار شد. قرار بود که حکم عجیب 20 ضربه شلاق به اتهام واهی توهین به مامور دولت حین انجام کار توسط دادگاه شعبه 105 کیفری صادر شده بود،بررسی و تجدید نظر شود. پیمان را از سر کلاس درس فراخواندند و به شکلی غیر قانونی حکم را اجرا کردند. ایشان در تماسی تلفنی به حقوق معلم گفت: حکم را اجرا کردند و پس از گذشت دو روز، در سه شنبه 13 اسفند حکم تجدید نظر به دستم رسید! ... پیمان نودینیان در آخرین نشست شورای مرکزی کانون های صنفی معلمان کشور در آذر ماه و در شهر تبریز در کنار محمد خاکساری به عنوان نماینده ایران در سازمان جهانی معلمان (ei) انتخاب(ابقا) شد." (6)

این وقایع در دولت آقای روحانی درست چند ماه پس ار روی کار آمدنش اتفاق افتاده است. آیا با همه این فشارها هیچ جای شکی باید برای معلمان باقی مانده باشد که این دولت نه نتها هیچ فرقی با دولت های قبلی از لحاظ سرکوب فعالین معلمان ندارد بلکه با شیوه جدیدی حملات به معلمان و کارگران را تشدید هم کرده است؟

به نظر می رسد جریان هایی درصدد اند با ایجاد ابهام و فضای شک و تردید و اطلاعات ناقصی که به همکاران می دهند همان سناریو هایی که به کانون بارها ضربه زده است بیازمایند تا باز بتوانند کانون صنفی را به پیاده نظام جریان خاصی تبدیل کنند.

کانون صنفی معلمان 93-94
با روی کار آمدن دولت یازدهم حسن روحانی که خود را دولت اعتدال اعلام کرد، با استفاده سمبلیک و در دست داشتن کلید همه مشکلات وارد کارزار انتخاباتی شد و انتخابات را هم برد معلمان با استفاده شرایط مصنوعی "باز" انتخاباتی فعالیت های علنی خود را گسترده تر کردند. تماس با بدنه برای ترمیم ضرباتی که در دوران دولت نهم و دهم، دولت احمدی نژاد، بر کانون صنفی معلمان وارد شده بود در دستور کار فراگیر همه فعالین صنفی معلمان قرار گرفت.

اعتراضات معلمان که سال ها به محاق رانده شده و مطالبات شان بی پاسخ مانده است منتظر کوچکترین روزنه ای است که سر بلند کند و خود را بار دیگر با سازماندهی جدید و آگاه سازی در بین معلمان برای نبردی دیگر برای کسب مطالبات آماده کند.
اوج اعتراضات سا ل 1393 در دی و اسفند ماه بود. معلمان با استفاده از امکانات اینترنتی از اپلیشنی به نام تلگرام برای بحث و تبادل نظر در مورد مطالبات معلمان، آموزش فعالیت های صنفی و سازماندهی اعتراضات استفاده می کردند. با استفاده از این اپلیکیشن اینترنتی، که امکانات نوشتاری، عکس و حتی صوتی (صدای ضبط شده و موسیقی) دارد، به سرعت و در سرتا سر ایران معلمان خود را در گروهای معلمی اینترنی سازمان دادند. برای حفظ امنیت گروه و به هدر نرفتن وقت، هر گروهی برای خود ادمین و مقرراتی را تعیین کرد و همه اعضای گروه موظف به رعایت از این مقررات شدند.
معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش در مهر ماه سال 1394 اعلام نمود که که مدت زمان تبدیل وضعیت معلمان پیمانی 5 سال است .
با وجود آن که تعداد قابل توجهی از این همکاران تا مهر ماه 1394 شامل این وضعیت می شدند اما تاکنون بلاتکلیف مانده اند .

(http://sedayemoallem.ir/خبر/item/4820-درخواست-معلمان-پیمانی-سال-1389-از-سازمان-مدیریت-و-برنامه-ریزی-کشور)
البته بسیار اهمیت دارد که به مجموعه ای از شیوه ها و تاکتیک های مختلف در به محاق کشاندن جنبش آگاه باشیم. کاری که حاکمان کرده و می کنند علاوه بر سرکوبگرانه بودن، رواشناسانه و یا روان کاوانه هم بوده است. می بینیم که همه تحرکات گردانندگان دولتی مرتبط بهم و در هماهنگی با هم بوده است یعنی یک پروژه کاملا از قبل مهندسی شده و هزینه دار.
مبارزات معلمان در دی ماه و اسفند ماه 93 و همچنین در فروردین و اردیبهشت سال 94 نشان داد که قدرت سازماندهی مبارزات سراسری معلمان برای رسیدن به اهداف شان به درجات زیادی بالاتر از بخش های دیگر طبقه کارگر در ایران می باشد اما در عین حال شکننده تر.

آیا در شرایطی که حاکمان همه راه های قانونی را برای معلمان برای تلاش در راه رسیدن به اهداف شان را بسته اند راه دیگری برای یک مبارزه متحد برای گرفتن حقوق حقه معلمان وجود دارد؟
حاکمان تمام ابزار تخریبی را دست دارند. رسانه ها، برای شستوی مغزی، دستگاه سرکوب با هزینه خود ما، زندان با هزینه خود ما و همچنین جاسوسانی باز هم در بین همین مردم زحمتکش خریداری شده ادند.

لازم است در مواردی مثل: ساختار کلی تشکل معلمان چگونگی انتخات هثیت مدیره، اختیارات این هئیت ، نحوه تصمیم گیری در آن ، اختیارات و کارکرد های واحد های استانی و شهرستانی - مثلا اگر اسمش را قبول کینم به عنوان اتحادیه معلمان که با استاندارد های بین المللی هم همخوانی داشته باشد- و چگونگی انتخاب نماینده از سوی این واحد ها برای مجمع عمومی، چگونگی انتخابات در خود مجمع عمومی و بطور دقیق در اساسنامه تصریح، تعریف و تعیین شود. بنابراین برای تدارک حتی یک طرح کلی از اساسنامه نیاز به یک کار جمعی است و بعد از آن لازم است که طرح پیش از علنی شدن توسط یک یا دو نفر حقوق دادن وارسی شود. به نظر می رسد که قبل از اینکه نمایندگان شهر ها و استان ها را تعیین کنیم باید اول اعضا از حقوق خود و حدود اختیارات شهرها و استان ها و نحوه رای گیری آشنا بشوند.
شاید بهتر باشد که یک بار دیگر باید مروری بر اساسنامه کانون صنفی بشود.
بطور مشخص در انجمن صنفی معلمان سه گرایش عمده را می شود به به روشنی دید: گرایشی که به ظاهر رادیکال و خواهان "تغییراتی ساختاری" در انجمن صنفی است اما تا به حال آلترناتیو عملی ای را ارائه نداده است. دیدگاه دوم همان دیگاه جنا ح هایی از قدرت است. این ها حتی اصلاح طلب هم نیستند. به هر صورت اگر بطور جدی نیاز به تشکل مستقلی (منظور نه تنها مستقل از دولت بلکه مستقل از همه احزاب، چه اصلاح طلب، چه غیر اصلاح طلب) از معلمان وجود دارد، - که دارد، باید فرا گرایشی و فرا حزبی عمل کرد.
گرایش سوم هم خواهان تشکلی صنفی با استاندارد های بین المللی است. یعنی با بررسی اوضاع موجود اتحادیه معلمان – که احتیاج به تعریف دقیق دارد- یکی از آلترناتیو ها است. ما بافته جدا بافته از دیگر معلمان جهان نیستیم. همانگونه که نظام های سرمایه داری جهانی، بین المللی عمل می کنند. ما معلمان هم باید از همکارانمان و تجارب شان در سطح بین المللی درس بگیریم. بیهوده است که شرایط ایران را ویژه اعلام کنیم و از زیر بار مسئولیت ها طفره برویم. به دنیای دور بر خود نگاهی بیاندازیم، تعفن، فساد و دورویی، شستوی مغزی توسط رسانه ها حال آدم را بهم می زند. راهکار را فقط با خرد جمعی می شود یافت. بهم اعتماد داشته باشیم. به نیروی خود باور داشته باشیم و متحد شویم و یکصدا هدف خود پیش ببریم بقیه چیزها را به مرور زمان بسپاریم.
در هر صورت وجود نظرات مختلف در کار مشترک و متشکل نقاط قوت و صعف خود را دارد. اما وجود چنین تشکلاتی با رعایت و احترام به نظرات مختلف در کل نشانه وجود دمکراسی در جمع است. اگر بحث ها در محیطی سالم و پویا هدایت شوند می توند ما را به دستاوردهای بزرگی برساند. تحمل نظرات مخالف و احترام به نظر مخالف چیزی است که ما احتیاج به تمرین روی آن داریم. ما شاید سال ها با فرهنگ یا با منی، یا دشمن من، عادت کردیم. این نوع نگرش را باید به زباله دانی تاریخ انداخت. ما باید بیاموزیم که ما می توانیم و قدرت آنرا داریم که روی پای خود بمانیم و با قدرت متحد خود بر سر آنچه به نفع ما و کلیت جامعه است کوتاه نیاییم.

کانون صنفی معلمان تنها تشکلی از تشکلات معلمان است که استقلال خود را تا کنون توانسته از همه جریانات سیاسی و دولتی حفظ کند و بر سر پای خود بیاستد. این تشکل در این سال ها فعالینی را به عرصه تلاش برای تشکل مستقل به میدان آورده است که از توانایی ها و پتانسیل سرشاری برخوردارند اما هنوز در سنین نوجوانی بسر می برد و تمامی درس هایی را که یک فعال سندیکایی مستقل باید بیاموزد را ناموخته است. این جنبش به دلیل اهمیتش از چند طرف مورد حمله قرار گرفته است.

سه نمونه از این چند نمونه را بطور مختصر توضیح می دهم:
فعالینی که به ظاهر با کانون صنفی همراهند اما در هر گامی بر علیه فعالین می نویسند و عمل می کنند. نوشته های این دسته را می توان در سخن معلم به صورت روشنی مشاهده کرد. سر دسته این دشمنان دوست نما را می توان شیرزاد عبدالهی نامید اما وسعت این طیف بسیار فراتر از شیرزاد است.

تشکلات رسمی دولتی
ارگان های سرکوب
به نظر من اولی بسیار خطر ناکتر از دو تای دیگر می باشد و باید جداگانه به همه این ها پرداخت. حتما باید به این مسئله در نوشته ای جداگانه بخصوص بخش اول پرداخت.
معلمان در مورد دستمزد آن شیوه ای را انتخاب نکرده اند که کارگران انتخاب کرده اند. شاید دلیل آنهم این باشد که معلمان حقوق شان شامل قانون کار نمی شود. اما هر چه هست این است که شیوه کار معلمان با کارگران متفاوت است
اما آیا این دلیلی می شود که معلمان نتوانند به همراه کارگران برای افزایش حداقلی مزد تلاش کنند؟
مشکل فاصله گیری معلمان با کارگران در کجا است؟
طیف وسیعی از معلمان هنوز خود را بخشی از طبقه کارگر به حساب نمی آورند. این "فرهیخته گان" خود را بخشی از توده میلیونی مزد بگیرانی که تحت نظام سرمایه داری از تمام وسایل تولید خلع ید شده و تنها سرمایه ای که برایشان باقی مانده همانا نیروی کار فکری و توان و دانش علمی شان است که در معرض فروش قرار گرفته تا از طریق فروش آن روزگار بگذرانند، نمی دانند. اما در حقیقت حقوق معلمان در این نظام ها به اندازه ای است که معلمان قادر به بازتولید نیروی خود برای ادامه کار خود باشند. از این منظر معلم با کارگر هیچ فرقی ندارد.
اما برگردیم به تشکل معلمان، کانون صنفی معلمان. آیا این تشکل یکدست و متحد است؟ آیا این تشکل توانایی پاسخگویی به نیاز های سراسری معلمان را که تشنه همبستگی، عدالت و یک زندگی انسانی هستند را دارد؟
به نظر می رسد مسئله بسیار بغرنج تر از آنچه که به ظاهر دیده می شود است. تشکل معلمان یک مشکل ندارد کانون صنفی معلمان ده ها مشکل دارد. کانون صنفی معلمان هم با خود و اعضای خود مشکل دارد و هم با آنطرفی ها.
کانون صنفی در درجه اول باید روابط درونی خود را بتواند نتظیم کند. اگر کانون صنفی تشکلی واقعا صنفی و از نوع اتحادیه های کارگری است بنا بر این باید همانگونه عمل کند که سند یکا ها و اتحادیه ها در سرتا سر جهان عمل می کنند. به این موضوع بعدا بیشتر در نوشته های دیگر خواهیم پرداخت.

اما کانون صنفی بر سر دو راهی دیگری هم هست. اگر به سمت کارگران برود دسته اول مخالفانش به صف ایستاده اند تا کانون را تشکلی کمونیستی ارزیابی کرده و حتی شاید جلو تر بروند و لطمات دیگری را وارد کنند. اگر صف خود را از تشکلات کارگری جدا کند دیگر جایی برایش باقی نمانده که اتکا کند و کمک بطلبد! تمام حامیان کانون در سرتا سر جهان کارگران و معلمان و به اصطلاح هم طبقه ای هایش هستند. خوب با این معضل چه باید کرد؟
بنا بر این بحث اصلی این خواهد بود که کانون تکلیف خود را با ارتباطات درونی خود روشن کند. استراتژی طولانی مدت خود را تعیین کند و به فکر فعال کردن اعضا برای گسترش و تثبت خود در دراز مدت باشد.

بسیاری از نکات عمدا فقط بصورت طرح بیان شده است تا بشود بحث ها را در این زمینه باز کرد. من معتقد هستم که هیچ مشکلی در دنیا وجود ندارد که راه حلی نداشته باشد. اگر مشکلی باشد که راه حل ندارد به نظرم دیگر آن مشکل وجود خارجی ندارد.

مشکلات معلمان:
آمار شگفت کودکان بازمانده از تحصیل،که شمارشان هم اکنون بیش از چهار میلیون برآورد می شود،کاهش تقریبا ده درصدی پوشش دانش آموزان دبیرستانی در ده سال گذشته،افزایش نارضایتی و بی انگیزگی معلمان،افزایش مشکلات اقتصادی مدارس،به ویژه مدارس مناطق فقیر،که با کاهش چشمگیر کمک های مردمی روبرو شده اند و حتی در پرداخت قبض های آب، برق، گاز و تلفن، با دشواری های فراوانی دست به گریبان اند،تنها بخش کوچکی از نابسامانی هایی است که مستقیم ریشه در همین شرایط اقتصادی آشفته دارد.
در مجموع مدارس در ایران، نه تنها از استحکام لازم در برابر حوادث طبيعي مانند زلزله برخوردار نيستند، بلكه نامناسب بودن فضاهاي عمومي مدارس خصوصا مدارس دخترانه يكی از معضلات مهم آموزشي در ايران به شمار مي رود.
مدارس ايران بيشتر فضاي پادگان و زندان را تداعي مي‌كند.
در اکثر مدارس دولتی فضاهای ورزشی، ناهارخوری، سالن اجتماعات و امتحانات، کتابخانه، آزمایشگاه و كارگاه پيش بيني نشده است.
(خلاصه امار اموزش وپرورش – دفتر طرح وبرنامه – 1384)

وضعيت غير استاندارد مدارس ايران
70 درصد ساختمان های مدارس شهر تهران ميانگين سنی بالاي 35 سال دارند و به شدت فرسوده هستند.

كمبود كلاس درس و مدرسه در حالي با چنين ابعاد غول آسايي خود نمايي مي‌كند كه در 10 سال گذشته به طور متوسط سالانه 500 هزار دانش‌آموز از آمار كودكان مشغول به تحصيل كاسته شده است.(5)
حداقل 26 هزار مدرسه دو نوبتی در کشور وجود دارد

در سال 1383 در روستای سفیلان در چهارمحال بختیاری بخاری چکه‌ای مدرسه آتش گرفت و 13 دانش‌آموز در آتش سوختند و کشته شدند. افکارعمومی به مسئله حساس شد و بنا شد که بخاری‌های چکه‌ای جمع شود و حداقل جای خود را به بخاری کاربراتوردار بدهد. دوباره در سال1385 در روستای درودزن مرودشت در اثر آتش‌گرفتن یک والور نفتی متحرک در کلاس 8 دانش‌آموز (6دختر و 2 پسر) سوختند و هرچند زنده ماندند، اما صورت‌هایشان به‌شدت آسیب دید. تصاویر آنها منتشر شده و بسیار تکان‌دهنده است و هیچ‌کس پاسخگوی زیبایی از دست‌رفته آنها نیست.

راهیان نور

در تمام دنیا گردش های علمی و تفریحی دانش آموزان به بخشی از آموزش دانش آموزان تبدیل شده است. دانش آموزان و بطور مشخص خانواده های با در آمد پایین از این نوع بر نامه ها استقبال بیشتری می کنند چرا خانواده ها از پس هزینه های اولیه زندگی هم بر نمی آیند تا چه رسد به بردن فرزندانشان به مسافرت های تفریحی و یا دیدن مراکز علمی. آموزش و پرورش هم در ایران برای اینکه این بخش از برنامه به رسمیت شناخته شده جهانی را به ظاهر در فایل آموزشی خود پر کند برنامه ای به نام راهیان نور براه انداخته است و حتی بخش عمده ای از نمره آموزش دفاعی دانش آموزان موکول به حضور در این اردوها می شود.

موارد زیادی گزارش شده است که اتوبوس های حامل دانش آموزان راهیان در مسیر راه به دلیل کهولت اتوبوس و عدم رعایت استانداردهای ایمنی دانش آموزان بر اثر تصادف جان خود را از دست داده اند. در یکی از همین برنامه های راهیان نور 26 تن از دانش آموزان و آموزگاران بروجنی بر اثر واژگونی اتوبوس راهیان نور جان خود را از دست دادند.

25 اسفند یعنی در شب عید، در حالی که تنها چند ساعت به آغاز سال 87 باقی مانده بود اتوبوس حامل دانشجویان پسر دانشگاه علمی – کاربردی خیام مشهد که با تبلیغات بسیج رهسپار مناطق جنگی بود با یک تانکر سوخت برخورد کرد که در نهایت 22 پسر دانشجو زنده زنده در آتش سوختند و هفت نفر نیز زخمی شدند.

ده روز پس از این فاجعه و در ششم فروردین 87 اتوبوس فرهنگیان استان چهار محال و بختیاری در محور شهر کرد به ایذه با گارد ریل برخورد کرد که در این حادثه 27 نفر کشته و 13 نفر مجروح شدند

دو روز بعد یعنی در هشتم فروردین همان سال اتوبوس حامل کاروان موسوم به راهیان نور در منطقه دهلاویه مورد حمله و تیر اندازی افراد ناشناس قرار گرفت که در نهایت 2 نفر زخمی شدند.

این فجایع اتفاقی نبوده و برنامه ریزی شده هم نبوده است، بلکه از عدم رعایت استانداردهای ایمنی و عدم وجود نهادهای مستقل نظارتی بر عملکردهای دست اندرکاران آموزشی است. باید هم خانواده ها و هم نهادهای مستقل معلمان بر مدیریت اینگونه برنامه ها نظارت کامل داشته باشند.

پیشنهاد مطالباتی تعدادی از معلمان:
"باتوجه به اتحاد و یکدلی به وجود آمده در جامعه ی معلمان ایران که همواره خود از پیشگامان عدالت خواهی و عدالت گستری درجامعه بوده وهستند و با فرهیختگی تمام صدای حق طلبی خود را به دور از آلودگی های سیاسی وگرایش های سود جویانه به گوش جامعه فهیم وحق پو ی ایران و وجدانهای بیدار رساندند،لازم است کانون صنفی مرکز با رایزنی و هماهنگی با کانونهای دیگر شهرهای ایران جدولی کامل از خواسته های به حق ،صنفی،قابل اجرا را پیگیری و با تعیین جدول زمانبندی منطقی ودر نظر داشت اهمیت هر یک از خواسته ها تنظیم و با تاکید بر پشتیبانی و همت جامعه ی معلمان، خواستار اجرای آن باشند.

برای نمونه چند پروژه ی مهم که مورد نیاز وخواست فرهنگیان است اشاره می نمایم:
1-ترمیم واصلاح حقوق ودستمزد ها در هماهنگی با سایر کارمندان و خط فقر تا پایان سال 1394
2-ساخت بیمارستانهای تخصصی فرهنگیان در مراکز استانها وفوق تخصصی در کلان شهرها تاپایان1398
3-احیای بانک فرهنگیان برای گشایش مالی و اعطای تسهیلات ارزان قیمت به فرهنگیان تا خرداد 1395
4-احیای باشگاه فرهنگیان برای خدمت رسانی به فرهنگیان و خانواده ی آنان در زمینه های رفاهی ،فرهنگی،هنری،ورزشی تاپایان 1396
5-ساخت و خرید هتل و مراکز اسکان قابل قبول و مناسب با استاندارد های ایمنی لازم برای معلمان و خانواده آنان در شهرهای مشهد ،قم،کرانه های در یای خزر،کیش وقشم و...که خود فرهنگیان میتوانند با خرید سهام آن ها بخشی از سرمایه و نقدینگی را تامین نمایند،این کار میتواند به تدریج تا سه سال آینده کاملا محقق شود.
6-نظارت بیشتر و حسابرسی دقیق تر از صندوق ذخیره فرهنگیان و هدایت بخشی از سرمایه فرهنگیان عضو در این صندوق در پروژه هایی که نام برده شد.
7-اختصاص سهمیه فرزندان فرهنگی در کنکور سراسری و جذب فرزندان فرهنگیان در آموزش وپر ورش که برخی سازمان ها سال هاست که این طرح جایگزینی فرزندان کارکنان را اجرا می کنند.که زمان مورد نیاز این خواسته برای ارسال لایحه به مجلس وتصویب آن بیشتر از یکسال نمی تواند باشد. (پیشنهادی از طرف معلمان در تلگرام)
من پیشنهاد می دهم که در لیست بالا برخی راشفاف تر و تعدادی هم به آنها اضافه شود.

اصلاحات پیشنهادی فرودین 1394:
بند 1 بدین ترتیب تصحیح شود:
1-بالا رفتن حقوق ودستمزد ها در هماهنگی با سایر کارمندان، خط فقر تعیین شده، نرخ تورم واقعی و سبد هزینه خانوار چهار نفره تا پایان سال 1394
پیشنهاد می کنم که موارد زیر هم به لیست بالا اضافه شود:
1- ایجاد تشکل مستقل معلمان بدون دخالت سازمان های دولتی

2- دخالت تشکل مستقل معلمان در تدوین کتب درسی
3- دخالت نمایندگان تشکلات مستقل در تعیین میزان حقوق معلمان بر اساس سیاست دو جانبه گرایی با حق رای و تصمیمات شورای نمایندگان معلمان و نمایندگان دولت
4- حق اعتصاب، اعتراض و آزادی بیان بدون هیچگونه پیگرد قانونی یا سری
5- آزادی بدون قید و شرط همه معلمان دستگیر شده
6- استاندارد کردن محیط آموزشی با استاندارد های بین المللی. بودجه مکفی برای ساختن مدارس مدارس و دبیرستان ها با استاندارد های بین المللی
7- برای پیش گیری از سوء تغذیه، فراهم کردن غذای رایگان برای کودکان دبستانی
8- برچیده شدن نیروی ارشاد از محیط آموزشی
9- معلمان حق ا لتدریس قانونا بعد از یک سال تدریس باید با هزینه آموزش و پرورش دوره آموزشی تربیت معلم را همراه با تدریس و دریافت کامل حقوق را به اتمام رسانده و به استخدام رسمی در آیند.
10- حق اضافه پرداخت هزینه کلان شهرها برای جبران هزینه رفت و آمد و اجاره محل سکونت
11- حق اضافه پرداخت برای معلمانی که در نقاط دور افتاده و دور از امکانات شهری به تدریس مشغولند.
در صد اضافه پرداخت با پیشنهاد شورای نمایندگان معلمان و تصویب آن بر اساس دو جانبه گرایی (نمایندگان معلمان و دولت) است
12- پرداخت و بالا رفتن حقوق بازنشستگی معلمان بر اساس نرخ تورم و بر اساس سیاست دو جانبه گرایی با حق رای و تصمیمات شورای نمایندگان معلمان باز نشسته و نمایندگان دولت
13- ایجاد خانه سالمندان برای معلمان بازنشسته ای که نیاز به کمک های بهداشتی و مراقبت های خاص دارند
14- حقوق برابر برای زنان در تمام موارد حقوقی و حقیقی
15- تعلیم و تربیت مستمر با هزینه آموزش و پرورش برای بروز کردن نوآوری های فرهنگی، استاندارد سازی متد آموزشی، آموزش نحوه برخورد و پیشگیری از اذیت و آزار کودکان توسط کودک و یا کودکان مزاحم و شرور
16- پرداخت کمک هزینه رفت و آمد در کلان شهرها و تغذیه برای آن دسته از دانش آموزانی که نیازمند شناخته شده اند با بودجه آموزش و پرورش.
17- - ایجاد کلوپ های ورزشی و تفریحی با هزینه کم برای معلمان
18- ایجاد کلوپ های ورزشی و تفریحی رایگان برای دانش آموزان با هزینه آموزش و پرورش

منابع:
وب سایت ایسنا جمعه 13 فروردین 1395
وب سایت عدالتخواهی
گزارش محمود بهشتی لنگرودی
گزارش محمود بهشتی لنگرودی

حسین رمضانی سراجاری, گزارش به گروه های تلگرامی 03.04.15
حقوق معلم و کارگر گزارش اسماعیل عبدی
(خلاصه امار اموزش وپرورش – دفتر طرح وبرنامه – 1384) اسفند 86خبرگزاري ايسنا
آموزش و پرورش ما؛ از آرزو تا عمل (گفت‌وگو با شیرزاد عبداللهی ـ بخش نخست)
تا زمان نوشتن این متن شهرهایی که کانون های صنفی مجوز قانونی برای برکزاری مجمع عمومی گرفتند به قرار زیر است:
اصفهان
زنجان
آذربایجان شرقی
گیلان
بویر احمد
البرز
مازندران
فارس
گلستان
ایلام
بوشهر
لرستان

* وب سایت ها
2- http://farsnews.com
3- http://www.hamshahrionline.ir
4- http://www.jomhourieslami.com
5- http://www.aftabnews.ir

ستار رحمانی
2021/05/11

لینک منبع :
https://asre-nou.net/php/view.php?objnr=52854